

# تمدن آرتا

## مادر تمدن‌ها

محمود کوپر

درآمد

ز ما باد بر جان آن کس درود      که داد و خرد باشدش تار و پود

تاریخ یعنی که: نه فراموش می‌کنم و نه اجازه می‌دهم که فراموشم کنند.

چو گوئی کلاه خرد دوختم      همه هرچه بایستم آموختم  
یکی نغز بازی کند روزگار      که بنشانندت پیش آموزگار

از کمند تاریخ گریزی نیست. همه جا تاریخ هست. اما آینده باید بر دوش گذشته گذاشته شود، نه این که بار گذشته را بر دوش کشد. با تاریخ هر آنچه را که از گذشتگان بازمانده از چنگ نابودی می‌رباییم و زندگی دیگری می‌بخشیم. گذشته با زنجیر به دست و پای امروز بسته است و کلید آن در دستان آینده است. ما گذشته را از دستان مرگ می‌رباییم تا تنها به سوی آینده نرویم. تاریخ، حضور در آئینه پریشان گذشته‌هاست. در پس پشت هر سنگ نگاره و ستون و تندیس می‌توان به تماشای آدمیانی پرداخت که آفرینش‌گر اینها بوده‌اند.

ما در تاریخ در جستجوی چراها و دغدغه‌هایی هستیم که با روان آدمی دست به گریبان بوده است. با چراغ تاریخ، در میان ویرانه‌های غرق در اندوه، رنج، امید و آرزو در جستجوی خرد و فضیلت هستیم.

تاریخ، حکایت پریشانی‌ها، سرگشتگی‌ها، جدال‌ها و عشق‌های انسانی است. تاریخ نگاری می‌تواند درهای دیگری رو به جهان بگشاید. تا بنگریم از آن دریچه بر رد پای هستی‌رنگان. بنگریم بر تراژدی انسان و تلاش‌ها، قهقهه‌ها، هق‌هق‌ها و شادی و رنج او.

تمدن شگفت‌انگیز هفت تا ده هزار ساله یحیی در سیستان، پلی بین تمدن‌های شرق و غرب و زادگاه خط، هنر، خانه‌سازی و... در جهان است. تاریخ بخشی از جهان را پس از کشفیات باستان‌شناسی در این سرزمین باید دوباره نوشت.

این کشفیات تاکنون نشان می‌دهد که ایرانیان از بیش از هفت هزار سال پیش در همین سرزمین می‌زیسته‌اند. کوچ آنان از شمال بیشتر به افسانه می‌ماند و بلکه این کوچ بزرگ از داخل ایران به سوی سرزمین‌های دیگر از هند تا اروپا بوده و هم اینان بدر تمدن را در جهان آن روز افشاندند.

مجله فرانسوی (دیرینه‌شناسی) در آوریل ۲۰۰۳ در شماره ۳۹۹ خود درباره جیرفت، سرزمین اسرار آمیز آرتا، نوشت: صدها ظرف بازیافتی از نوع سنگ صابونی منقوش با نقوش انسانی و جانوری تزئین شده با سنگ نشاندهائی از سنگ‌های فیروزه، مرمر و... تنها نمونه کوچکی از هزاران شیء نفیسی است که از حفاریات غیرقانونی در جیرفت در جنوب استان کرمان به دست آمده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در حدود هفت هزار سال پیش، این سرزمین مرکز تولید این نوع ظروف و اشیای نفیس تزئینی از انواع دیگر بوده است. تولیداتی که در آن روزگاران از دره سند گرفته تا فرات و تا سواحل شمالی شبه جزیره عربستان خواهان فراوان داشته است. کیفیت بی‌نظیر هنری این اشیاء درجه والای رشد فرهنگی ساکنان فلات ایران را در اواخر هزاره چهارم نشان می‌دهد و باب تازه‌ای را در مطالعه، نقشی می‌گشاید که آنها می‌توانستند در شکل‌گیری تمدن بین‌النهرین داشته باشند.

دستاورد های تمدن آرتا تا امروز، نتیجه چهل سال تلاش گروهی بزرگ از پژوهشگران جهان است نه برای بازخوانی متون گذشته بلکه برای بازآفرینی تاریخ گذشته.

من از کدام زمان حرف می‌زنم: از تمدنی هفت تا ده هزار ساله.  
از کدام جغرافیای حرف می‌زنم: از تمدن دریاها. از آمو دریا تا اروندرود. گرد دریای مرکزی ایران در شهر سوخته و هلیل رود و... سیستان.

سی سال پیش به سبب یک تصادف و تغییر مسیر رودخانه هلیل رود، کشفیاتی آغاز شد که سبب گردید تا نگاهی دیگر و تازه به مسیر تاریخ تمدن جهان داشته باشیم.

گمانه‌ای نو دربارهٔ پیدایش تمدن شرق کهن و ایران، تمدن آرتا، کهن‌ترین تمدن شناخته شده بشری. آثار به دست آمده در محوطه‌های گوناگون این منطقه نشان از یک فرهنگ و تمدن قدرتمند و در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر بود. محوطه‌هایی چون شهرسوخته، تل ابلیس، گنارصندل و هلیل رود نشان از دولت شهرهایی در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر بود که بسیار فرهنگ پیشرفته‌ای داشته و قدرتمند بودند.

چه کسانی این آثار شکوهمند مانند زیگورات عظیم، هزاران اثر ارجمند تاریخی و باستانی را آفریده بودند؟ آفرینندگان این تمدن چه کسانی بودند؟

اسناد سومری به ما می‌گوید: آنان (سومری‌ها) از جایی در خاور ایران، به نام آرتا به میان رودان و باختر ایران رفته‌اند. همانگونه که در گذشته می‌اندورود، از دولت‌شهرهای بزرگی سامان گرفته بود؛ در خاور ایران دولت شهرهایی مستقل ولی در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر بوده‌اند که امروزه با آنها روبرو هستیم.

می‌خواهم بگویم که: این دولت شهرها از هزارهٔ پنجم پیش از میلاد و در یک زمان فرهنگی، دارای شکوفائی و قدرت بوده‌اند. مواد فرهنگی به دست آمده در مناطق همجوار مانند مهرها، مهره‌ها، سنگ‌های قیمتی، پیکره‌ها و... همگی نشان از پیوند تنگاتنگ این مناطق و پیوندهای بازرگانی و فرهنگی آنها با یکدیگر و سرزمین‌های دیگر است.

فراوانی اشیای نام برده شده و کیفیت صنعت به کار برده شده روی اشیاء در جیرفت و شهرسوخته گواه روشنی است که مواد فرهنگی به دست آمده از گورهای شاهی سومریان، همان اشیای ساخته شده در جیرفت و شهرسوخته است. سنجش اشیای پیدا شده نشان می‌دهد که ساکنان باستانی جنوب شرق ایران در تمدن، رفاه و پیشرفت از سومریان پیشرفته‌تر بوده‌اند. آرتا، چشم‌انداز شگرف و زیبایی از تمدنی گم شده است که تمدن‌های بزرگ دیگر در جهان را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

هزاران اثر برجستهٔ تاریخی به دست آمده و بیش از یک میلیون شیء غارت شده، نشان از یک تمدن بسیار کهن در جنوب شرقی ایران دارد. تمدنی که جهان به آن وامدار است.

## اسناد تاریخی

نخستین اشاره‌ها به تمدن آرتا را می‌توان در آثار مکتوب بجا مانده از تمدن سومر یافت. آنها در گِل نبشته‌ها و سرودهای حماسی خود بارها به این سرزمین اشاره کرده‌اند و از آن یاری طلبیده‌اند. در این نوشته‌ها آمده‌است که: برج و باروی آرتا از لاجورد سبزند، دیوارهای آن از آجر قرمز، و خاک مورد نیاز برای بنا کردن آن از کوه‌هایی آمده‌است که در آنها سرو می‌روید.

در آثار بعدی در دوره‌های بعدی سومر، پادشاه اوروک از مردم آرتا می‌خواهد تسلیم شوند و ثروت خود را در اختیار سومر قرار دهند و فرستاده مردوک این سرزمین را این گونه آدرس می‌دهد که باید از اوروک به سوی عیلام روی و از سرزمین عیلام بگذری، از انشان (فارس کنونی) عبور کنی و پس از پشت سرگذشتن هفت کوه به آرتا خواهی رسید.

داستان حماسی‌ای به نام "انمرکار و فرمانروای آرت" که بر لوحی چهارگوش به ابعاد تقریبی ۲۲/۵ در ۲۲/۵ سانتی‌متر در اوایل هزاره دوم ق.م به نگارش درآمده، نشانگر حضور تاریخی این تمدن در جیرفت است. داستان که متن آن بالغ بر ۶۰۰ سطر به خط میخی و به زبان سومری است از این قرار است که انمرکار پادشاه اوروک در بین‌النهرین به منظور دستیابی به مقادیری از سنگ گرانبها، نماینده‌ای از جانب خود به نزد فرمانروای آرتا روانه می‌کند.

آرتا پادشاه دیگری در ایران بود که آن را هفت رشته کوه از پادشاهان اوروک جدا می‌ساخت و راه یافتن به آن بسیار مشکل بود. آرت شهری خوشبخت بود و معادن فراوان فلز و سنگ داشت، حال آن که سرزمین پست و جلگه‌ای بین‌النهرین فاقد این مواد بود و به شدت به آن نیازمند بود.

انمرکار دست به دامان خواهر خویش "اینن" الهه نیرومند و حامی شهر اوروک شده و از وی می‌خواهد که مردم آرتا را وادار کند به منظور تزئین معابد و نمازخانه‌های متعدد بویژه معبد "آبزو" یعنی معبد دریا، برای او طلا و نقره و سنگ لاجورد و دیگر سنگ‌های گرانبها بیاورند. سرانجام در پایان داستان فرمانروای آرتا با درخواست پادشاه اوروک موافقت می‌کند و مردم آرتا به اوروک طلا و نقره و لاجورد می‌آورند و آنها را در صحن مقدس معبد "اینن" بر روی هم انباشته می‌کنند.

این لوح بازگوکننده نخستین باری است که فرمانروایی برای آن که کلمه‌ای از پیامش برای فرمانروای سرزمین دیگری تحریف نشود، آن را به صورت مکتوب می‌فرستد. این داستان حماسی نشان می‌دهد آرتا در هزاره دوم و سوم قبل از میلاد پادشاهی نیرومند بوده است. همچنین از این متون چنین برمی‌آید که صنعتگران و هنرمندان آرتا حداقل در طی هزاره سوم قبل از میلاد از شهرت

چشم‌گیری برخوردار بوده‌اند و فرمانروایان دولت‌شهرها و پادشاهی‌های بین‌النهرینی از آنها و هنرشان شناخت کاملی داشته‌اند.

### دستاوردهای این تمدن برای جهان چه بوده است؟

به طور خیلی خلاصه باید بگوییم:

قدیمی‌ترین خط جهان که تا کنون تصوّر می‌شد که در سومر به وجود آمده است، در "کنار صندل" پیدا شده است که ۳۰۰ سال از تمام خطوط باقیمانده جهان کهن‌تر است. (۱) قدیمی‌ترین استوره جهان، گیلگمش، بر روی صدها جام زرو سنگ از اینجا به جاهای دیگر راه پیدا کرده است. باستان‌شناسان، ظرفی سفالی متعلق به ۴۰۰۰ سال پیش که نقش استوره گیلگمش، قدیمی‌ترین استوره جهان را دارد در محوطه باستانی اسپیدژ کشف کردند. (۲)

بزرگترین و قدیمی‌ترین زیگورات جهان، یعنی نیایشگاه و رصدخانه قدیمی دنیا در این منطقه و در فضائی به اندازه چهارصد متر در چهارصد متر بنا شده بوده است.

اولین نقاشی متحرک دنیا به شکل یک بز و درخت اولین بار بر روی یک ظرف در این منطقه پیدا شده است و از نظر پزشکی بسیار پیشرفت کرده بوده است.

نخستین چشم مصنوعی دنیا را در کاسه سرب یک اسکلت در یک گور در آنجا یافته‌اند و اینها در حقیقت متعلق به دوران گذار به عصر برنج Brass بوده است. همچنین نشانه‌هایی از جراحی بر کاسه سر نیز یافت شده است. (۳)

ما کوره‌های ذوب مس بسیاری را در آنجا یافتیم و در حقیقت می‌شود گفت که قدیمی‌ترین فلزکاران جهان نیز در این منطقه می‌زیسته‌اند.

شهر سوخته یکی از مهم‌ترین مراکز این تمدن بوده است. لایه‌هایی که برداشت شده است تا شش هزار سال تاریخ این شهر را نشان می‌دهد. تا به حال در چهار دوره مختلف، آن منطقه مورد کاوش‌های باستان‌شناسی قرار گرفته است.

وسایل آرایشی بسیار زیاد، ۱۲ نوع پارچه، جواهرسازی بی‌مانند، سفال‌گری کم‌نظیر و شهرسازی بسیار مدرن که محله‌های امن و ساختمان‌سازی بسیار پیشرفته را نشان می‌دهد، در این کاوش‌ها کشف شده است.

منصور سجدای سرپرست کاوش‌های شهر سوخته می‌گوید: پارچه‌های به دست آمده از شهر سوخته آنقدر زیاد است که ما می‌توانیم در این محوطه باستانی کلکسیون‌های پارچه‌های هزاره سوم پیش از میلاد را داشته باشیم. از این تعداد بی‌شمار پارچه تاکنون پنجاه نوع را شناسایی کرده‌ایم که در کاتالوگی با دوزبان منتشر می‌شود.

به گفته سجدای از روی پارچه‌های به دست آمده در شهر سوخته، می‌توان تحول پارچه بافی و ریسندگی را در هزاره سوم پیش از میلاد شناسایی و آن را به جهانیان معرفی کرد.

حوزه فرهنگی هلیل‌رود در اوایل هزاره سوم قبل از میلاد یکی از بزرگ‌ترین مراکز صنعتی-تجاری شرق باستان بوده که در زمینه تولید و صدور کالاهای ساخته شده همچون انواع سنگ صابون، مرمر و مفرغ Bronze به سایر مراکز تمدنی منطقه از جمله بین‌النهرین فعالیت داشته است. حفاری در دو تپه در روستای گنار صندل منجر به پیدا شدن شهری بسیار بزرگ به مرکزیت تپه گنار صندل شده و نزدیک سازه خشتی عظیم که سازه‌ای برای نیایش خورشید و یا رصدخانه‌ای بزرگ بوده است.

کاوش در گورستان شهر سوخته و کشف مهرهای گلی در گورهای زنان اثبات می‌کند که در آنجا کنترل اقتصادی خانواده با زنان بوده و آنها نقش به‌سزائی در جامعه آن دوران ایفا می‌کرده‌اند. یافته‌های اخیر نشان می‌دهد که در طول دره هلیل‌رود، دولت شهرهای کهن با هنر و تمدن درخشان به نام "آرتا" وجود داشته که نه تنها به صورت دالان فرهنگی عمل می‌کرده، بلکه در شکل‌گیری کهن‌ترین تمدن بین‌النهرین که به سومری‌ها نسبت داده می‌شود، نقش به‌سزائی داشته و شاید خاستگاه آن بوده است.

### گورهای کشف شده

محوطه‌های باستانی حاشیه رودخانه هلیل‌رود از مهم‌ترین سکونت‌گاه‌های بشر محسوب می‌شوند. در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی و حفاری گورها در این محوطه نمونه‌های بسیاری از

آثار سنگی، سفالی از هزاره سوم پیش از میلاد به دست آمده است. شهر مردگان جیرفت چند برابر استقرارگاه‌های ساکنان هفت هزارساله این منطقه وسعت دارد. باستان‌شناسان تا کنون حدود ۶۰ محوطه باستانی و ۲۵ استقرارگاه در جیرفت به دست آورده‌اند.

در جریان بررسی‌های باستان‌شناسان در شهرستان‌های کهنوج، جیرفت و عنبرآباد، بیش از ۹۵ محوطه متعلق به هزاره پنجم پیش از میلاد شناسائی شده که ۶۰ محوطه آن گورستانی است. حفاری‌های غیرمجاز گسترده و کشف هزاران قطعه سنگی که در حراجی‌های بزرگ دنیا به فروش می‌رسند، این محوطه را از شهرتی جهانی برخوردار کرده است.

هر گورستان حاشی هلیل‌رود به طور متوسط ۶۰۰ متر در ۴۰۰ متر وسعت دارد. تعداد و وسعت گورستان‌ها نشان از حضور جمعیتی بسیار زیاد در این منطقه دارد.

طی چند سال گذشته بخشی از این منطقه و تپه‌های باستانی توسط کشاورزان تخریب شده‌اند. همچنین ممکن است بسیاری از استقرارگاه‌های این منطقه هم اکنون زیر زمین‌های کشاورزی دفن شده باشند.

## زیگورات

یکی از مهم‌ترین آثار به دست آمده، یک سازه زیگورات مانند است که متعلق به نیمه اول هزاره سوم قبل از میلاد است. زیگورات کشف شده در جیرفت حدود ۷۰۰ سال از کهن‌ترین زیگورات کشف شده در بین‌النهرین قدیمی‌تر است. (۴)

سازه زیگورات مانند کشف شده در جیرفت ۱۷۰ متر ارتفاع دارد و در ساخت آن از ۴ تا ۵ میلیون قطعه خشت استفاده شده است. باستان‌شناسان در بررسی‌های خود موفق شده‌اند دو طبقه این سازه را مشخص نمایند، اما در بخش‌هایی از این محوطه شواهدی بر سه طبقه بودن سازه نیز به دست آمده است. طبقه اول این سازه ۴۰۰ در ۴۰۰ متر و طبقه دوم آن ۲۵۰ در ۲۵۰ متر وسعت دارد.

## خط کشف شده

خط کشف شده در محوطه‌های تاریخی جیرفت که بهشت گمشده باستان‌شناسان نام گرفته، متعلق به دو هزار و پانصد تا سه هزار سال پیش از میلاد مسیح است. باستان‌شناسان، موفق شدند

در ترانسه پنج (قسمتی از محوطه تاریخی) در محوطه گنار صندل، در ۳۰ کیلومتری شهر تاریخی جیرفت اثر یک مهر دو در سه سانتیمتری را که روی آن آثار خط به صورت عمودی و افقی دیده می‌شود، کشف کنند. خط کشف شده در جیرفت در اختیار خط شناسان بزرگ جهان در دانشگاه‌های سوربن Sorbonne، پنسیلوانیا Pennsylvania، شیکاگو Chicago، هاروارد Harvard، و دیگر دانشگاه‌های بزرگ جهان قرار گرفته است. خط کشف شده یک خط کاملاً جدید است که از هیچ خط دیگری تأثیر نگرفته است.

دکتر هالی پیتمن Holly Pittman استاد دانشگاه پنسیلوانیا در مورد اهمیت کشف خط در جیرفت می‌گوید: خط کشف شده در جیرفت شباهتی به هیچ یک از خطوط کشف شده تاکنون ندارد و با توجه به جدید بودن و هم دوره‌ای آن با اختراع خط در سومر، نشان می‌دهد که ما در جیرفت با تمدنی روبه رو هستیم که می‌تواند با نخستین تمدن بشری برابری کند و ممکن است در کاوش‌های آینده مسیر تمدن بشری را تغییر دهد.

همچنین با کشف بخشی از یک آجر کتیبه‌دار با دو سطر نوشته در بخش بنای یادمانی محوطه باستانی گنار صندل در حوزه تمدن هلیل رود و جیرفت، وجود نگارش در این منطقه در عصر مفرغ (نیمه نخست هزاره سوم پیش از میلاد) قطعی است.

## غذا و وسایل بازی

مرجان مشکور استاد دانشگاه سوربن فرانسه و یکی از استخوان‌شناسان جهان در مورد بررسی استخوان حیوانات در جیرفت می‌گوید: در بررسی‌ها در محوطه‌های تاریخی جیرفت، آثار استخوان حیوانات اهلی و وحشی نظیر گاو، گورخر، آهو، گراز، خرگوش و برخی پرنده‌گان کشف شد. تعداد زیاد استخوان گاو و گوسفند و بز در میان محوطه‌های تاریخی در مقایسه با استخوان‌های حیواناتی نظیر آهو و گورخر و خرگوش نشان می‌دهد که ساکنان جیرفت از گوشت این حیوانات به عنوان غذای اصلی و در کنار آن از گوشت حیوانات شکار و غذاهای دریایی نیز بسیار استفاده می‌کرده‌اند.

بررسی کارشناسان روی اشیاء باستانی به دست آمده از محوطه‌های باستانی جیرفت که از حفاران غیرمجاز به دست آمده، نشان می‌دهد که ساکنان محوطه‌های باستانی جیرفت پنج هزار سال پیش وسایل بازی داشته‌اند. در میان اشیاء باستانی که از حفاران غیرمجاز در منطقه هلیل رود و



جیرفت گرفته شده است، پنج اثر باستانی وجود دارد که سه قطعه از آن به شکل عقاب، یک قطعه به شکل عقرب با سر انسان و دیگری هم به صورت یک صفحه تخت است که روی همگی آنها حفره‌هایی به تعداد مساوی ۱۲ یا ۱۸ با اندازه‌های برابر وجود دارد که به احتمال بسیار زیاد نوعی وسیله بازی بوده‌اند.

## فرهنگ

اهمیت نقوش جیرفت در این است که سازندگان بعضی از آنها در دوران باستان با این کار سعی کرده‌اند محیط طبیعی اطراف خود را نشان دهند. بی‌گمان سازندگان آنها از نقش تصاویر درختان، طبیعت، گیاهان و جانوران روی سنگ‌ها هدف خاصی را دنبال می‌کرده‌اند. قدرت تخیل این مردم شگفت‌انگیز است. این قدرت تخیل، خلق موجوداتی مانند انسان‌های شاخدار، عقاب‌های دوسرو یا موجودات ترکیبی از انسان و یک جانور دیگر مانند: گاوانر، شیرو یا عقاب را سبب شده است. انسان‌های باستانی این ناحیه به خاطر نحوه شکل‌گیری و روند تکامل فکری خود، کارشناسان را شگفت‌زده کرده‌اند. (۵) و (۶)

## هنر و زندگی

بخش بزرگی از اشیای بازیافتی را ظروف تزئینی ساخته شده از سنگ صابون تشکیل می‌دهد. نقش مایه‌هایی از جانوران، موجودات هیولائی و افسانه‌ای، انسان و نیز گونه‌های چندی از گیاهان مانند نخل خرما، نمای باروی شهرها و بناهای درون آن را در بر می‌گیرد. در گوشه و کنار این تمدن، آثار بسیاری به دست آمده که نشان از هنر و زندگی این مردم داشته و امروزه در سراسر جهان پراکنده شده است.

اشیای کوچک گوناگون از سنگ لاجورد مانند: مهره‌های مسطح و استوانه‌ای با نقش مایه‌های انسان، شیر یا سر انسان، عقاب و نقوش هندسی همراه با پیکرک‌های انسان و جانور، سردیس و تندیس انسان و جانوران از سنگ مرمر، پیکره انسان و جانوران از سنگ صابون، پیکره انسان و جانوران از مفرغ.

در پیکره‌های جیرفت، بالاتنه همه مردان برهنه و دامن به کمک شال بزرگی به کمر محکم شده است. آنها گردنبندی با آویز بزرگی از فیروزه به اشکال هندسی گرد و یا بیضی به گردن دارند و موی بلندی دارند که از پشت تا انتهای کمر ادامه یافته است.

تزیین سنگ‌نشانی همچنین در نواری که بالای پیشانی برگیسوان عقرب انسان بسته شده و نیز در گلبگ‌های درختانی که بزها قصد خوردن شاخ و برگ‌هایشان را دارند، اجرا شده است. در یک اثر بسیار زیبا دو موجود انسانی را می‌بینیم که هر کدام با هر دست پلنگی را از دم گرفته و آن را به هوا بلند کرده‌اند. یکی از آنها دامنی بلند بر تن دارد، اما دیگری گاو-مردی است که شال پهنی به دور کمر و مچ‌بندهایی بر مچ و پاها دارد. مچ‌بندها و دستبندهای این گاو-مرد و دستبندهای انسان در سمت دیگر ظرف در اصل سنگ‌نشانی شده بود که همه آنها از میان رفته است. افزون بر آن، دامن مرد در این ظرف که راه‌راه نشان داده شده است، در اصل به کمک یک یا چند رنگ سنگ‌نشانی شده بود که همه آنها نیز از میان رفته است.

اگرچه نقش‌مایه سلطان جانوران که از هزاره چهارم قبل از میلاد بر مهرهای استوانه‌ای دوره‌های شوش و اروک جدید پدیدار می‌شود، کیفیت کار و درجه مهارت و استادی به کار رفته در ساخت و پرداخت ظروف جیرفت و به طور کلی اشیای بازیافتی نشان می‌دهد که آغاز مکتب صنعت سنگ در جنوب شرق ایران و بویژه در منطقه جیرفت می‌بایست به چندین سده پیش بازگردد. بر روی ظروف جیرفت ما نه تنها کراراً به نقش‌مایه تزیینی سلطان جانوران برمی‌خوریم، بلکه سلطان با رام‌کننده در یک ظرف به صورت ترکیبی گاو-مرد و در ظرف سنگی دیگری در شکل شیر-مرد ظاهر می‌شود و این از پنجه و چنگال‌ها و دم ستر و بلند آن قابل تشخیص است. این موجودات انسانی یا هیولائی انواع گوناگون جانوران وحشی مانند پلنگ‌ها، مارها یا انسان عقرب‌ها را در کنترل دارند.

یکی دیگر از نقش‌مایه‌های روی ظروف سنگی بازیافتی از جیرفت که در هنر سومری متداول است، رو یا روئی دو جاندار وحشی است. صحنه رو یا روئی یکی از متداول‌ترین نقش‌مایه‌هاست که ما با آن در تزیین ظروف سنگی روبه‌رو می‌شویم. این جانوران خشمگین با دهان بسیار باز به حالت رو در رو از دو پلنگ و دو مار و یا یک پلنگ و یک مار تشکیل می‌شود. نقش‌مایه دیگری جانوران شاخدار و گیاه‌خوار را نشان می‌دهد که در آرامش در مرغزار به چرا مشغولند. در این صحنه‌ها اغلب دو بز کوهی را می‌بینیم که رو به یکدیگر در دو سوی درختی به حالت قرینه

ایستاده و یا بر روی پاهای عقب ایستاده و قصد خوردن شاخ و برگ درخت را دارند. گونه‌ای متفاوت از بزهای کوهی را می‌توان از شکل شاخ‌هایشان تشخیص داد. نریا ماده بودن، سن آنها را نیز می‌توان تشخیص داد.

گونه‌گونی انواع در مورد گیاهان نیز بسیار است. اگرچه نقش‌های گونه‌گونی مانند: انسان، عقرب انسان، شیر انسان، مار عقاب، عقرب پلنگ، شیر گاو، گاو کوهاندار و بز کوهی بر ظروف سنگی جیرفت بسیار دیده می‌شود، اما در میان آنها تنها بدن موجودات خاصی (پلنگ، مار، عقرب، عقاب، انسان) سنگ‌نشانی شده است.

نقش مایه جالب توجه دیگری که در تزئین ظروف سنگی جیرفت دیده می‌شود، عقرب انسان است. اگرچه ما هنوز درباره اهمیت و مفهوم این وجود ترکیبی و هیولائی چیزی نمی‌دانیم، اما در استوره‌ای بودن آن تردیدی وجود ندارد. ما با این مخلوق در استوره‌های گیلگمش در نقش نگهبان دروازه‌ای که برای ورود به شهر ظلمات می‌بایست از آن گذر کرد، مواجه می‌شویم.

ژان برو Jean Borouhgs (نویسنده پژوهشی درباره علم تصویرشناسی) می‌گوید: در این تصاویر یک کمبود عجیبی مشاهده می‌شود. برخلاف آنچه در بین‌النهرین مشاهده می‌شود، هیچ نوع تصویری از خدا در این تصاویر یافت نمی‌شود.

### مجسمه‌های لولائی

بررسی‌های باستانی و اشیاء به دست آمده از محوطه باستانی جیرفت، نشان می‌دهد که ساکنان این محوطه، پنج هزار سال پیش مجسمه‌هایی با دست و پای متحرک و لولادار شبیه عروسک‌های خیمه‌شب بازی می‌ساختند. این مجسمه‌های لولائی که دست و پای آنها هم حرکت می‌کرده از جنس سنگ مرمر بوده که در اندازه‌های ۳۵ تا ۴۰ سانتیمتر ساخته شده‌اند. این مجسمه‌ها که به شکل انسان و حیوان ساخته می‌شده‌اند، در محوطه‌های باستانی جیرفت جای گرفته‌اند. به جز مجسمه‌های لولائی نوعی دیگر از مجسمه‌ها نیز در این محوطه شناسائی شده‌اند که از جنس سنگ کولریت هستند و یک تکه ساخته می‌شدند.

این محوطه‌های باستانی که در هزاره سوم پیش از میلاد آثار ارزشمندی را در خود جای داده‌اند، جزوغنی‌ترین محوطه‌های باستانی جهان محسوب می‌شوند. در طول رودخانه هلیل رود تاکنون بیش از ۱۰۰ محوطه باستانی شناسائی شده است.

## خط کش ۵ هزار ساله در شهر سوخته

در کاوش‌های انجام گرفته در شهر سوخته یک خط کش ساخته شده از چوب آبنوس کشف شد. این خط کش به طول ۱۰ سانتیمتر با دقت نیم میلیمتری و از جنس چوب آبنوس Abnoos است. کشف خط کش در شهر سوخته زابل نشانگر این است که ساکنان این شهر باستانی دارای پیشرفت‌های زیادی در زمینه علم ریاضیات بوده‌اند.

## قدیمی‌ترین تخته نرد جهان در شهر سوخته

از گور باستانی موسوم به شماره ۷۶۱ کهن‌ترین تخته نرد جهان به همراه ۶۰ مهره آن در شهر سوخته پیدا شد. این تخته نرد بسیار قدیمی‌تر از تخته نردی است که در گورستان سلطنتی "شهر اور Ur" در بین‌النهرین پیدا شده بود.

## هنر و صنعت

در کاوش‌های انجام شده، مهره‌های بسیاری از سنگ‌های لاجورد، عقیق، مرمر، فیروزه و انواع دیگر سنگ‌های گرانبها در مکان‌های مختلف مانند شهر سوخته بویژه گورستان آن به دست آمده است که نشان از رونق این صنعت بیش از ۵ هزار سال پیش در ایران دارد. صنعتگران شهر سوخته از سنگ‌های گرانبها و فلزاتی چون طلا، مهره‌های بسیار ظریف و شکیلی می‌ساخته‌اند که استفاده تزئینی داشته است.

آثاری چون انواع و اقسام پیکره‌های کوچک گلی، سفالین و سنگی انسان و جانور، اشیای چوبی و حصیری، ابزار بافندگی، پارچه، طناب، مهر و اثر مهر در کاوش‌ها به دست آمده که نمایانگر نقش مستقیم یا غیرمستقیم آنها در تهیه و تولید جواهرات و اشیای صنعتی است. پیدایش سنگ‌های قیمتی، ضایعات سنگ‌ها و ابزار کار باقی مانده در کارگاه‌های صنعتی و سنگ‌تراشی نمایانگر ساخت و پرداخت جواهرات در همین محل بوده است.

بررسی و آزمایش‌های انجام شده بر روی آثار به دست آمده از کاوش‌های شهر سوخته به شناسائی حرفه و پیشه‌های گوناگون در این شهر چون دامداری، کشاورزی، معماری، مدیریت، صیادی و شکار، سفالگری، فلزکاری، سنگ تراشی، تجارت و پزشکی کمک کرده است.

یکی از پیشه‌های ساکنان شهر سوخته در دوران رونق و شکوفائی، مهره سازی و جواهر سازی بوده است. بیشتر اشیای زینتی پیدا شده در شهر سوخته با سنگ‌های نیمه بهادر وارداتی مانند لاجورد، عقیق و فیروزه که از معادن دور دست به این شهر وارد می‌شده ساخته شده‌اند. اشیاء و لوازم مدفون در قبور نشان دهنده درجه فقر، غنا و طبقه اجتماعی و در برخی موارد شغل، جایگاه و خواستگاه اصلی فرد است.

مهره‌های شهر سوخته به شکل‌های مختلف و از مواد گوناگونی چون سنگ لاجورد، فیروزه، عقیق، کریستال صخره‌ای، سنگ آهک، مرمر، صدف‌های دریائی، استخوان و فلز ساخته شده‌اند. در تعدادی از گورها نوک مته، آره، تراشه و قطعات نیمه تمام مهره‌ها و ابزارهای لازم سنگ‌تراشی یافت شده که حکایت از حرفه جواهرسازی در آن دوران دارد.

در شهر سوخته بیش از ۲۰۰ نوک مته در زمینی به مساحت ۱۰۰ متر مربع از اتاق‌های دوره دوم استقرار، جمع آوری شده و هزاران تراشه و خرده سنگ لاجورد و عقیق، چه به صورت مهره‌های شکسته و چه به صورت خرده ریزه، دیده شده است. علاوه بر آن تعداد ۷۱ قطعه فیروزه که حدود ۲۰ درصد فیروزه‌های پیدا شده شهر سوخته را تشکیل می‌دهد نیز از همین قسمت جمع آوری شده است.

صنعتگران و هنرمندان با ذوق ساکن شهر سوخته در مرحله نخست قطعات قلوه سنگ‌های عقیق به دست آمده از بستر رودخانه‌ها و بلوک‌های رگه دار را به شکل هسته‌های اولیه و اصلی سنگ چخماق در آورده و سپس مهره‌ها را سائیده و به اشکال متنوع استوانه‌ای، کروی و دیسک تبدیل می‌کردند. شهر سوخته که هنوز نمی‌دانیم در هزاره‌های پیش چرا در آتش سوخته است، سال گذشته نیز بخشی از آن در آتش سوخت. موتور سواران از مرز پاکستان به راحتی گذشته و سالیان درازی است که آثار شهر سوخته را با خود برده و در بازارهای قاچاق می‌فروشند.

## دیگر مراکز و شهرها

### دره نگاران:

سنگ نگاره‌های دره نگاران ناهوک شهرستان سراوان یادگار هزاره‌های پیش از تاریخ است. "نگاران" همان گونه که از نام آن پیداست برگرفته از نگارگری‌های اصیل و تحسین برانگیز نگارگرهای دوران‌های گذشته است. دره نگاران ناهوک سراوان رادر واقع باید يك نگارخانه از نگاران هزاره‌های گذشته این منطقه دانست.

در این مکان انبوهی از نقوش بی‌مانند وجود دارد که با توجه به منطقه محدود آن با دارا بودن چندین هزار نقش و نگار باید آن را بزرگترین مجموعه سنگ نگاره شناخته شده در ایران دانست. نقوش دره نگاران که بیشتر نقوش انسانی و حیوانی هستند به سه دوره قدیم، میانه و جدید تقسیم می‌شوند که دوره قدیم به حدود هزاره‌های چهارم تا هشتم برمی‌گردد. جویندگان طلا و غارتگران بیش از هشتاد درصد این گالری باشکوه را نابود کرده‌اند.

### اسپیدژ:

ساکنان اولیه اسپیدژ در هزاره سوم و دوم قبل از میلاد از سطح دانش و فن آوری و رفاه اجتماعی نسبی بالائی بهره‌مند بوده‌اند. با دانش ذوب فلزاتی همچون مس آشنا بوده‌اند. از انواع دست ساخته‌های مسی- مفرغی می‌توان به ساخت انواع ظروف همچون کاسه، پیاله، لیوان، ظروف دارای لوله یا آبریز ناودانی شکل، ملاقه و ابزار آلاتی همچون درفش، سمبه، سوهان، ابزار چهار پهلوی نوک تخت و ابزار مفتولی نوک گرد و نوک پهن و سلاح‌های مفرغی همچون کارد، خنجر، تبر، و سر پیکان و سایر اشیاء همچون مهرها، پیکرک، آینه‌های گرد و دسته‌دار، مهره، سنجاق سر، میله سرمه و ... اشاره نمود.

مردمان اسپیدژ علاوه بر فلزگری به تراش و صیقل سنگ‌های تزئینی و نیمه بهادر که از دور و نزدیک تهیه شده بود، می‌پرداختند و از سنگ‌های عقیق، لاجورد، مرمر، آهک، فلینت و چخماغ انواع مهره‌ها به اشکال گرد، بیضی، لوزی، استوانه‌ای یا خمراهی و مهره‌های دوکی شکل می‌ساختند.

با نگاهی به آثار یافته شده در قبور اسپیدز می‌توان نوعی آثار شکل‌گیری جامعه طبقاتی را از نظر میزان سطح رفاه و موقعیت و منزلت اجتماعی افراد مشاهده نمود. در آن زمان تقسیمات کار صورت گرفته بود و حرفه‌های گوناگونی همچون سنگ‌تراشی و ابزارسازی، شکارگری، فلزکاری، سفالگری، حصیر بافی و تجارت به وجود آمده بود. برای احراز مالکیت خود از مهره‌هایی که از جنس سنگ یا فلز ساخته شده بود استفاده می‌کردند.

نقش انسان به روی ظروف سفالی برای نخستین بار در سیستان و بلوچستان در این محل دیده می‌شود. در یک نمونه به روی لبه خارجی لبه یک سفالین نخودی رنگ، نقوش یک در میان مردان و زنانی در حالت ایستاده با بدنی دوکی شکل با دست‌ها و پنجه‌های باز که در حالت اجرای رقصی آئینی هستند، نقش بسته است. نقوش سفالینه‌های اسپیدز شامل نقوش انسانی حیوانی، گیاهی و طبیعت بی‌جان می‌باشد.

نقوش شانه‌ای شکل چهاربز سر به هم داده که تشکیل گردونه خورشید یا (صلیب شکسته یا چلیپا) را می‌دهند، از نقوش محوری سفالینه‌های اسپیدز است.

از جمله دستاوردهای مهم دیگر می‌توان به کشف ابزار و وسایل کار یک هنرمند فلزگر در قبور متعلق به پایان عصر مفرغ و آغاز عصر آهن آن اشاره نمود.

آخرین پژوهش‌های گروه باستان‌شناسی در گورستان ما قبل تاریخ "اسپیدز" نشان داد محوطه باستانی "اسپیدز" حلقه ارتباط بین تمدن باستانی جیرفت و شهرسوخته زابل بوده است. محوطه پیش از تاریخ اسپیدز متشکل از ۲ قبرستان است که به هزاره دوم و سوم قبل از میلاد بازمی‌گردد. این محوطه باستانی در عصر مفرغ، شهری بسیار پیشرفته و صاحب تکنولوژی بوده است.

#### شهاداد:

شهر باستانی شهاداد با دیرینگی ۷۰۰۰ ساله از مراکز مهم تمدن آرتاست. مردم شهاداد، در هنر از تکنیک بسیار پیشرفته‌ای برخوردار بودند. سفال‌گران با مهارت بسیار، سفال‌ها را به زیبایی و با بهره‌گیری از طبیعت، نقوش حیوانات و گیاهان، می‌آراستند.

همچنین مردم شهاداد، سنگ تراشان هنرمندی بودند که با مهارت تمام از سنگ مرمر ظروف مختلف را می‌ساختند. مردم شهاداد از نظر فلزکاری نیز بی‌مانند بودند. در این منطقه نخستین

کوره‌های ذوب فلزات و فلزکاری نیز به دست آمده است که شهادت را به یک شهر صنعتی تبدیل می‌کند. قدیمی‌ترین درفش فلزی جهان از این کاوشگاه به دست آمده است.

### دهانه غلامان:

دهانه غلامان بازمانده شهری است که روزگاری مرکز اداری زرنگ در دوران هخامنشی بوده و از مدّت‌ها پیش از آن رونق بسیار داشته است. در کتیبه‌های هخامنشی، بیستون، تخت‌جمشید و نقش رستم از این شهر به نام "زرک" یا "زرنگای" یاد شده است.

این شهر از جمله شهرهای منحصربه‌فرد در شرق ایران است که با نقشه و برنامه‌ریزی مدون و از پیش تعیین شده برپا گردیده است. بناها و ساختمان‌های شهر از خشت و با نقشه‌های مربع یا مستطیل شکل منظم و دارای ستون‌های فراوان و با پوشش سقف‌های گنبد و ضریبی می‌باشند. این شهر را باستان‌شناسان ایتالیائی در سال ۱۹۶۰ کشف و از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ این محل را حفاری کردند. دهانه غلامان دارای ساختمان‌های بزرگ عمومی، رصدخانه، محله‌های مسکونی، خیابان، آبراهه، محله‌های نظامی و صنعتی می‌باشد.

دهانه غلامان برج و بارو ندارد و امنیت در آن روزگار را بیان می‌کند. باستان‌شناسان، یکی از عوامل اصلی متروک شدن این شهر را، خشک شدن ناگهانی بستر رودخانه هیرمند می‌دانند.

### تپه یحیی:

تپه یحیی یکی از قدیمی‌ترین سکونت‌های شناخته شده بشر در ایران است. قدمت تپه یحیی به ۷ هزار سال پیش از میلاد مربوط است. تپه یحیی برای باستان‌شناسان حکم کلیدی را دارد که قفل بسیاری از کاوش‌های علمی، تاریخی و باستان‌شناسی توسط آن باز می‌شود. کاوش‌های باستان‌شناسی در تپه یحیی از سال ۱۳۴۷ ش. (۱۹۶۸) توسط یک هیئت مشترک ایرانی - آمریکائی آغاز شد که نتایج حاصل از این کاوش‌ها حکایت از سکونت در دوره‌های مختلف را دارد.

قدیمی‌ترین نشانه‌های این سکونت بشری در تپه یحیی، تعدادی خانه‌های کوچک خشتی است که به صورت محوطه‌های چهارگوش برجای مانده است. ساکنان این بناها علاوه بر ادوات



سنگی و استخوانی از ظروف سفالی با شکل ساغرهای کوچک و از خمره‌ای بزرگ برای ذخیره مواد استفاده می‌کردند. تمدن در تپه یحیی بسیار شکوفا بوده و این منطقه مرکز ارتباطات تمدن‌های بزرگ ماوراءالنهر، بین‌النهرین و هند و چین به شمار می‌رفته است.

پروفسور لمبرگ کارلوفسکی C.C Lamberg-Karlovsky که به مدت ۶ سال در تپه یحیی بوده و به مطالعه این تپه پرداخته است، موفق به کشف مجسمه‌ها و سفال‌های زیادی شده است که تمام این کشفیات برای مطالعه به آمریکا برده شده است و در حال حاضر در موزه هاروارد نگهداری می‌شوند.

بر اساس نظر کارلوفسکی: ریاضیات، جواهرسازی، نقاشی، ذوب فلزات و نجوم در بین ساکنان منطقه تپه یحیی رواج داشته و شاید مهم‌ترین کشف این باستان شناس در تپه یحیی، پیدا کردن یک ساختمان دولتی بوده است که ۵ اتاق بزرگ داشته و در آن لوحه‌هایی پیدا شده که بعضی‌ها سفید بوده و در بعضی‌ها خط تصویری و نیمه تصویری نوشته شده و این نوشته‌ها دال بر این است که در ۵ هزار سال پیش مردم این منطقه دارای تمدن پیشرفته بوده و به خط آشنائی داشته‌اند.

در حفاری‌های تپه یحیی آثار و مدارک ارزنده‌ای مربوط به دوران ماقبل تاریخ و ادوار تاریخ از قبیل: سفال و اشیاء سنگی به دست آمده است که با آثار کشف شده در شهر سوخته سیستان، چاه حسینی بمپور و دشت لوت شباهت دارد.

### تل ابلیس:

تل ابلیس در ۸۰ کیلومتری جنوب غربی شهر کرمان است. حفاری این منطقه توسط یک هیئت باستان شناس آمریکائی و با همکاری اداره باستان شناسی ایران و در سال ۱۹۶۴ آغاز گردید.

این محل در حقیقت بازمانده شهرک هفت هزار ساله‌ای است که به دست اقوام پیشرفته‌ای که کشاورزان اولیه آرتا را تشکیل می‌داده‌اند، برپا شده و تا هزاره اول قبل از میلاد به مدت چهار هزار سال مرکز تمدن این ناحیه بوده است. بیشترین آگاهی‌های به دست آمده، از زندگی اولیه در تل ابلیس مربوط به اواخر هزاره پنجم تا اوایل هزاره چهارم قبل از میلاد می‌باشد. با کاوش و

مطالعاتی موجود در این تپه، هشت دوره متمایز فرهنگی در آن شناسائی گردیده است. در تل ابلیس کوره‌هایی برای ذوب مس وجود داشته است. همچنین اشیای سنگی مانند هاون کاسه، انواع ساینده، سنگ ساب تبر سنگی، پیکرک سنگی و ابزارهای سنگی، اشیای استخوانی، صدفی و گلی متعدد، اشیای فلزی مسی و انواع اجسام گلی از این تپه به دست آمده است. طبق شواهد به دست آمده صنعت فلزکاری در هزاره پنجم قبل از میلاد در این منطقه از پیشرفت زیادی برخوردار و به طرز گسترده‌ای رایج بوده است. آنچه فلزکاری تل ابلیس را بی‌مانند می‌سازد، روش فلزکدازی و در درجه حرارت کم و بیش کنترل شده آن است.

### گوشه‌ای از غارت‌ها:

خبر نخست: در سال ۲۰۰۱، پس از آن که لیلی رود قبرستانی باستانی را از زیر خاک بیرون آورد، غارت و چپاول آغاز شد و صدها و شاید هزارها روستائی به گورهای جنوب جیرفت تاختند. شاید بیش از صد هزار شیء به سرقت رفته است. افراد در طول یک سال و نیم ۱۰ هزار گودال یک محوطه کردند. بر اساس اطلاعاتی که از روستائیان گرفته شده است، هر گوردست کم شامل یک ظرف سنگی بوده، و بزرگ‌ترین گورها ۳۰ ظرف را در خود جای داده بوده است. از یک گورستان تنها چیزی که باقی مانده است صدها سوراخ زشت است که برخی از آنها ۱۶ فوت عمق دارند. چیزی از این غارت جان سالم به در نبرده است جز سفال‌هایی شکسته.

خبر دوم: خبرنگار بخش میراث فرهنگی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) از غارت اشیای باستانی در منطقه اسپیدژ واقع در بخش بزمان ایرانشهر (سیستان و بلوچستان) خبر داد. غارتی که گویا از سال ۱۳۸۱ ش. (۲۰۰۲) به طور جدی آغاز شده است. مشاهدات گروه اعزامی ایسنا حاکی از آن بود که برخلاف ادعای مسئولان محلی، هیچ نیروئی برای محافظت در منطقه حاضر نبوده، آثار باستانی پنج هزار ساله گورستان اسپیدژ همچنان به تاراج می‌رود.

افراد مطلع در این منطقه می‌گفتند: آثار باستانی به دست آمده، توسط دلالان خریداری شده، از طریق مرز پاکستان از کشور خارج می‌شود. همچنین آثاری که به وسیله مردم به صورت غیرمجاز از حفاری‌ها به دست می‌آید، با قیمت‌های بسیار نازل، به دلالان فروخته می‌شود. افراد محلی اکثراً بر این نکته اصرار داشتند که کسانی غیر از بومیان روستاهای همجوار اسپیدژ،

برای حفّاری‌های غیرمجاز به این منطقه می‌آیند؛ اما شواهد، نشان‌دهندهٔ این بود که افراد بومی روستاهای اطراف نیز در حفّاری‌های غیرمجاز مشارکت دارند.

خبر سوم: هفدهم مهر ۱۳۸۱ ش. (۲۰۰۲): روزنامهٔ ایران در گزارشی مبسوط از غارت آثار تاریخی جیرفت، به عدم تلاش برخی نهادهای مسئول برای جلوگیری از اقدام حفّاران غیرمجاز اشاره کرد و از انتقال چند کامیون از آثار باستانی جیرفت به خارج از کشور خبر داد.

خبر چهارم: سنگ نگاره‌های دهتل جیرفت را در جستجوی طلا منفجر می‌کنند: کروی بودن بخش زیادی از این سنگ‌ها موجب شده است برخی افراد سودجو با تصوّر این که در میان سنگ‌ها، طلا و اشیاء با ارزش وجود دارد آنها را شکافته و تخریب می‌کنند. متأسفانه هیچگونه محافظتی از این آثار نمی‌شود و به همین دلیل سارقان همیشه در کمین این آثار هستند و همیشه هم آثار مورد سرقت و تخریب قرار می‌گیرند. علاوه بر این بخش زیادی از سنگ نگاره‌هایی که بر روی سنگ‌های کوچکتر و قابل حمل نقش شده بود تا کنون به سرقت رفته‌اند.

هنوز سی سال از این کشفیات نگذشته است و نگارنده صدها قطعه اثر تاریخی این تمدن را در موزه‌هایی چون لوور Louvre دیده است و بارها در حراجی‌های بزرگی چون کریستی Christie و ساتبی Sotheby شاهد حراج آنها بوده است.

### نظر باستان‌شناسان درباره تمدن آرتا

هالی پیتمن:

بدون تردید باید بگویم که گستردگی و تنوع تجارت این منطقه در دنیای باستان مرا شگفت‌زده کرده است. تمدن جیرفت در زمان خودش از هر سمت و سوی جغرافیائی که در نظر بگیرید، از شرق، جنوب، شمال و غرب با همسایگانش روابط مستقیم تجاری داشته است. در واقع اینجا برای همهٔ تمدن‌های اطراف شناخته شده بود و پل ارتباطی بین سکونت‌گاه‌های بشری در افغانستان، هند، جنوب خلیج فارس و تمدن‌های میان رودان (بین‌النهرین) محسوب می‌شده است. یافته‌های ما در جیرفت آن چنان زیاد و مهم است که به یقین در چند سال آینده باعث خواهد شد بخش‌هایی از تاریخ تمدن جهان بازنویسی و اصلاح شود.

دکتر یوسف مجید زاده، سرپرست هیأت کاوش‌های باستانی در جیرفت می‌گوید:

جیرفت را کهن‌ترین تمدن شرق می‌دانیم و به دنبال اثبات این مدعا هستیم که تمدن جیرفت و داده‌های باستان‌شناسی در این منطقه، نظریه‌های باستان‌شناسی بزرگ دنیا درباره تمدن شرق را به هم خواهد زد. اکنون مطمئن شده‌ایم که جیرفت از تمدن بین‌النهرین قدیمی‌تر و وسیع‌تر بوده است و مطالعات و کاوش‌ها نشان می‌دهد که جیرفت بزرگترین مرکز تجاری جهان بوده است. شرایط مطلوب آب و هوایی در جیرفت و وجود انواع محصولات کشاورزی موجب شد تمدنی در این منطقه شکل بگیرد که در دوره باستان بهشت جهان محسوب می‌شده است. این منطقه به قدری غنی است که کارهای پژوهشی، در این منطقه تنها قطره‌ای از دریاست و در واقع جیرفت سرفصل جدیدی را در تاریخ ایران و جهان باز خواهد کرد. برای ارزیابی و کشف کامل این تمدن شگرف بویژه شهر گمشده آرتا که زادگاه خط، شهر و دولت بوده در آغاز تمدن بشری، هنوز راه درازی در پیش است.

استفان فوکارت Stéphane Foucart پژوهشگر فرانسوی در روزنامه لوموند Le Monde نوشت:  
کشفیاتی با این گستردگی و ارزش همانند هلیل رود شاید قرنی یک بار صورت گیرد تازه اگر قرنی با اقبال همراه باشد.

بهمن نامورمطلق دبیرکل همایش "تمدن جیرفت" اعتقاد دارد که آثار به دست آمده از تمدن جیرفت با پنج‌هزار سال قدمت، علاوه بر حوزه باستان‌شناسی، توجه متخصصان دیگر رشته‌های علوم انسانی از جمله اسطوره‌شناسی، قوم‌شناسی، مردم‌شناسی، نشانه‌شناسی، روایت‌شناسی، سبک‌شناسی و زبان‌شناسی را به خود جلب کرده است. او می‌گوید:

آثار معماری، نوشتاری، سفالی و بویژه ظروف حجاری به دست آمده از جیرفت، بیانگر وجود فرهنگی است که در شاخه‌های گوناگون به رشد و پیشرفت کم‌نظیری دست یافته‌اند. گذشته از قدمت، تنوع در طراحی و روایت، استحکام و ظرافت در ساخت و پردازش این آثار که بیانگر تخیل خلاق هنرمندانه است، کارشناسان و استادان عرصه هنر را مسحور و مبهوت می‌کند. این آثار مدعی برابری با آثار پنج هزار سال پس از خود یعنی هنر معاصر است.

دکتر حسن فاضلی، رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی کشور می‌گوید:

منطقه شرق ایران بی‌شک یکی از مهم‌ترین مناطق ایران بوده که تحولات فرهنگی مهمی را در هزاره سوم قبل از میلاد از سرگذرانده است. کاوش‌های باستان‌شناسی در شهداد، تل‌ابلیس، تپه یحیی و کاوش‌های اخیر جیرفت همگی نشانگر این است که شهرنشینی به معنای واقعی آن در منطقه کرمان پدید آمده بود و ساکنان آن در هزاره سوم پیش از میلاد، با ایجاد روابط گسترده اقتصادی و تجاری با همسایگان شرق و غرب خود به حداکثر شکوفائی و ثبات سیاسی و اجتماعی نسبی درونی و برونی دست یافته بودند.

### سرانجام

برکناره‌های دریاچه‌های آرال و خزر و رودهای آموی و سیر (فرارود) تا اروند، بیش از ده هزار سال پیش، مردمانی می‌زیستند که سپس به سبب خشکابی و خشککنائی، فزونی آدمیان و فزون خواهی، ساز و سامان رمه داری و گله‌گردانی، به سوی هند، ایران و اروپا سرازیر شدند. مردمان سکاها Saka، ماساگت‌ها Massagetae، و پارس‌ها Persian و بسیاری دیگر نیز با این مردم هم‌تبار و هم‌زبان و هم‌سامان بوده‌اند.

در درازای بیش از ده هزار سال، مردمانی گوناگون، در این سرزمین که ایران می‌خوانیمش، زیسته‌اند. از آن سوی آمودریا و سیردریا تا کناره‌های اروند و از شمال تا دریای خزر و از جنوب تا کرانه‌های عمان و آن سوی خلیج فارس. آنان با کوچ بزرگ خویش از تمدن آرتا به شمال و شرق و غرب، تمدن را از زنجیر رودخانه‌ها رهانیدند و با ایجاد کاریز و پردیس، تخم تمدن را در دشت‌های فراخ زمین پراکندند.



(۱) قدیمی ترین خط جهان - یکی از چند لوحه یافته شده



(۲) ظرف سنگی از جیرفت



چشم مصنوعی متعلق به یک زن  
در چهار هزار سال پیش در شهر سوخته

(۳) چشم مصنوعی متعلق به یک زن



(۴) زیگورات در جیرفت



(۵) ظرف سنگی استوره گلیگمش



(۶) ظرف سنگی استوره گلیگمش

من اما بنیاد کار خویش را نه تنها بررسی و مطالعه انتقادی کارهای دیگران، بلکه بر پژوهش و بررسی اشیاء و مکان‌های تاریخی و هستی‌شناسی آن نهادم و گرچه پیش از من بسیاری در کاوش‌های این منطقه تلاش کرده‌اند، اما اندیشه و گمانه بررسی آن به گونه یک تمدن و فرهنگ مستقل کار من است. این دستاورد یک عمر تلاش و جستجو و پژوهش من است. این شیوه بررسی و نگاه به تاریخ برآمد و دستاورد بیش از چهل سال پژوهش و اندیشه در کار تاریخ است. این نگرشی نوین در تاریخ‌نگاری است که بر بنیاد بررسی زنده و هستی‌شناسی یک دوران مشخص تاریخی صورت می‌گیرد و تاکنون در تاریخ‌نگاری ایران سابقه نداشته است. این گمانه نوین می‌تواند تمام آنچه را که تاکنون درباره تاریخ این بخش از جهان دانسته‌ایم، دگرگون سازد و برای ما و تمام جهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

پشتوانه کارم همچنین بیش از هزار تصویر از اشیاء به دست آمده از مراکز این تمدن است که به وسیله این نگارنده از موزه‌های گوناگون دنیا و یا مجموعه‌هائی شخصی با دقت بسیار و بررسی کارشناسانه تهیه شده است. همچنین چندین ساعت فیلم مستند که از محوطه‌های تاریخی فراهم آمده است. به هنگام ایراد سخنرانی بخشی از این تصاویر و قسمت کوتاهی از فیلم‌ها نمایش داده شد. تاکنون و بویژه در این ده سال، کنفرانس‌هائی درباره آن در آمریکا، اطریش، انگلیس و... داشته‌ام.



Yousef Madjidzadeh: *The Earliest Oriental Civilization*, Bulletin of the Asia Institute 15 (2005).

Andrew Lawler, *Ancient Writing or Modern Fakery*. Science 3 August 2007: Vol. 317. No.5838.

Andrew Lawler, *Iranian Dig Opens Window on New Civilization*, Science 21 May 2004: Vol. 304. No.5674.

M.R. Maheri: *The Early Civilizations of Kerman (Markaze Kerman Shenasee)* 2000, 1<sup>st</sup> edition.

Yousef Madjidzadeh: *Jiroft Earliest Oriental Civilization* (2004).

O. White Muscarella, *Jiroft and "Jiroft-Aratta": A Review Article of*

این جستارها که در همایش تمدن جیرفت ارائه شد، نیز بسیار قابل توجه هستند:

پیوتر استنکلر (Pioter Steinkeller): چشم انداز تاریخی جیرفت.

جلال الدین رفیع فر: مطالعه مقدماتی تکنولوژی و کاربرد ادوات سنگی در گنارصندل.

ریتا رایت (Rita Wright): توالی سرامیک در عصر مفرغ فلات ایران.

جان کرتیس (John Curtis): رئیس خاور نزدیک موزه بریتانیا: اشیای نوع جیرفت در موزه لندن.

هانری پال فرانکفورت (Henri-Paul Francfort): سنگ های سیاه در کرمان و آسیای مرکزی.

رضا مرادی غیاث آبادی: سنگ نبشته نور یافته کن چرمی و مقایسه آن با کتیبه های جیرفت.

مارگارتا تنبرگ (Margareta Tengberg): مردم و گیاهان در دره هلیل رود در دوره مفرغ.

مرجان مشکور: اقتصاد مکان های شهری حوزه هلیل رود.

راجر ماتیوز (Roger Matthews): احشام کوهان‌دار جیرفت.  
وندی ماتیوز (Wendi Matthews): معماری و محیط ساختمانی در جیرفت.  
محمد میرشکرائی: سکا‌های هوم‌نوش در حوزه فرهنگی جنوب شرق ایران.  
وستا سرخوش کرتیس: جیرفت، نمونه عملیاتی مشترک بین موزه‌های ملی و ترویج فرهنگ ایرانی.  
اکرم غلامی: سفال‌گنارصندل.  
یوسف مجیدزاده: الواح جیرفت و خاستگاه نظام خط نوشتاری ایلامی.  
هالی پیتمن (Holly Pittman): هنر دوره مفرغ در ایران، فصلی جدید از گنارصندل.